

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۳

سنجش تطابق کالبدی- فضایی سکونتگاه‌های شهر گرگان مبتنی بر شاخص‌های مسکن ایرانی- اسلامی

سعید ملکی^۱، مصطفی آریان کیا^۲

چکیده

ورود فرهنگ و الگو غربی به فضای ساخت و ساز مسکن ایرانی و فاصله گرفتن از معماری سنتی ایرانی- اسلامی باعث گردیده تا نوعی بی‌هویتی و از خودبیگانگی در مسکن و فضای شهری حاکم شود. در این راستا، شناخت ابعاد و مشخصات هویت کالبدی مسکن ایرانی- اسلامی و تمایز آن با سبک مدرن و غربی باعث احیا فرهنگ و شاخص‌های ایرانی- اسلامی در ساخت بنا می‌گردد. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت مسکن شهر گرگان از دیدگاه شاخص‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی می‌پردازد. نوع پژوهش کاربردی- تطبیقی و روش پژوهش، تفسیری- تاریخی است. شاخص‌های موردنظر در پژوهش حاضر شامل: کالبدی، زیست‌محیطی و فرهنگی، و مؤلفه‌های مورد استفاده در مطالعه حاضر شامل: نوع سبک بنا، حریمیت و عدم اشراف واحدهای مسکونی در هم‌جواری یکدیگر، وضعیت زیست‌محیطی مسکن، نزدیکی به مراکز فرهنگی و مذهبی و هم‌خوانی واحد مسکونی با فرهنگ و سنت می‌باشد. جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر از دو روش مطالعات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای- اسنادی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شهر گرگان و نمونه‌های مورد پژوهش ۳۷۵ مورد در قالب پرسشنامه در اختیار خانوارها قرار گرفته است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و تحلیل آمارها از نرم‌افزارهای آماری Excel, SPSS و آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون و جهت ترسیم نقشه‌ها و نمایش پراکندگی شاخص‌ها در سطح شهر از نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی Arc GIS استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مسکن شهر گرگان با توجه به تحولات چند دهه اخیر از سبک معماری سنتی و بومی فاصله گرفته و با تقلید از الگوی غربی و بیگانه با فرهنگ ایرانی- اسلامی، هویت گذشته خود را از دست داده است. در ارتباط با اشراف داشتن واحدهای مسکونی در همسایگی و هم‌جواری یکدیگر و هم‌خوانی واحد مسکونی با فرهنگ و سنت ساکنین، اصول معماری ایرانی رعایت نشده است که این امر موجب نارضایتی ساکنین این‌گونه مسکن شده است.

واژگان کلیدی: مسکن ایرانی، هویت اسلامی، سبک زندگی، گرگان.

۱. نویسنده مسؤل، استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز malekis@scu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران. Email: MostafaAriankia@gmail.com

مقدمه

رویکرد دوران مدرن نسبت به تعریف انسان و روابط فیزیکی او در محیط‌های ساخته شده (نورتقانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴)، بدون توجه به آسایش و سلامت افراد در فضاهای مسکونی، جوامع بشری را در معرض بحران قرار داده است (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۰). تحولات مدرنیته و تأثیرات آن بر الگوی سکونت آدمی، کیفیت خانه و مسکن به شدت متأثر ساخته و ارزش‌های انسانی را که در معماری ایرانی-اسلامی در تمام ابعاد آن به اوج رسیده بود، نادیده گرفته است (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۰) به طوری که عدم توجه به انسان، نحوه کار، شیوه زندگی، خواسته‌ها و تجارب او در طراحی مسکن امروز و روی آوردن به معماری وارداتی، پایین آمدن کیفیت زندگی مسکونی، از بین رفتن حیات، سرزندگی، تحرک، بحران مسکن و همچنین، بحران حس تعلق و هویت را به همراه داشته است (عسگری رابری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۸). در صورتی که مسکن سنتی همواره براساس عقاید مذهبی ساکنین آن خلق می‌شد و معمار سنتی تا حد امکان به اصول، قواعد و روش‌های احداث خانه در آیات و احادیث توجه می‌نمود و لذا اثری که خلق می‌کرد بر مبنای آن الگوها شکل می‌گرفت و همواره روح دینی در مسکن سنتی جریان می‌یافت (اخوت، ۱۳۹۱: ۶۷). اما با ورود فرهنگ غربی، به تدریج الگویی در معماری ایران به کار رفت که برخاسته از فرهنگ بی‌هویت غرب بود و هیچ پشتوانه فرهنگی و مذهبی نداشت (سیروسی و الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۶).

ورود فرهنگ و الگو غربی به فضای ساخت و ساز مسکن ایرانی و فاصله گرفتن از معماری سنتی ایرانی-اسلامی باعث گردیده تا نوعی بی‌هویتی و از خودبیگانگی در مساکن و فضای شهری حاکم شود. در نتیجه، شناخت ابعاد و مشخصات هویت کالبدی مسکن ایرانی-اسلامی و تمایز آن با سبک مدرن و غربی باعث احیا فرهنگ و شاخص‌های ایرانی-اسلامی در ساخت بنا می‌گردد. با توجه به اهمیت مسکن به عنوان یکی از ضروری‌ترین نیازهای اولیه زندگی انسان و تأکیدی که در آیات و روایات اهل بیت (ع) به خانه شده است و همچنین ضرورت حریم خانواده در فرهنگ ایرانی که در سبک معماری ایرانی به وضوح قابل مشاهده می‌باشد در کنار تقابل معماری مدرن با معماری سنتی، ضرورت شناخت و بازآفرینی شاخص‌های مسکن ایرانی که بر پایه آموزه‌های اسلامی نقش بسته مشخص می‌گردد. بر این اساس، در بررسی یا طراحی مسکن توجه به فرهنگ غنی ایران همراه با آموزش‌ها و اندیشه‌های دینی و اسلامی در ارتباط با ویژگی‌های مسکن مطلوب می‌تواند سبب ساز رسیدن انسان به آرامش در زندگی دنیوی همراه با آرامش معنوی، امنیت و ... شود. شهر گرگان از زمان نخستین بنیان‌های شهرنشینی در آن شکل گرفته تا زمان حاضر متناسب با افزایش جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی و جوابگویی به نیازهای ساکنان خود سازمان فضایی-کالبدی کنونی خود را در قالب بافت‌های موجود شکل داده است. لذا پژوهش حاضر با تأکید بر معماری ایرانی-اسلامی به بررسی مساکن شهر گرگان به لحاظ وضعیت رعایت اصول معماری ایرانی همراه با هویت دینی می‌پردازد.

مبانی نظری

مسکن و محل سکونت آدمی کالبدی است که نشانی از خود فردی و جمعی وی را منعکس می‌سازد (فلامکی و شصتی، ۱۳۹۳: ۱۱۷). توجه به پایداری بخش مسکن به عنوان مهم‌ترین عنصر شهری در توسعه پایدار شهری، از اساسی‌ترین وجه آن شناخته می‌شود (آریان‌کیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵). اسلام از ادیان و مکاتبی است که در محیط شهری نضج یافته و نسبت به شهرنشینی نظری کاملاً مساعد و تشویق‌آموز دارد، و از سویی دیگر نسبت به جمع و جماعت نیز التفاتی خاص دارد، بنابراین نمی‌تواند نسبت به موضوعات مختلف مرتبط با شهر و سکونتگاه بی تفاوت باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲). نحوه سکونت، چگونگی بودن انسان را معنا بخشیده است (نصر، ۱۳۹۴: ۷۶) در واقع سکونت، بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیط مفروض است که از تلاش برای هویت یافتن (به مکانی حس تعلق داشتن) ناشی گردیده است. از این‌رو، مفهوم سکونت همواره در

طول تاریخ، ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. آموزه‌های اسلامی درباره معماری مسکن، ضوابط و معیارهایی را مطرح می‌کند که مسکن و انسان را در توده‌های انسانی و مجموعه‌های ساختمانی تشریح می‌نماید (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۷).

هر سکونتگاه فقط تراکمی از خانه، خیابان و مردم و دیوار و عواملی از این قبیل نیست، بلکه نمونه‌ای از فرایند ساکن شدن است. بنابراین شهر یا سکونتگاه فقط بُعدی کالبدی نیست، بلکه فرایندی تکامل یافته است (شیخ‌اعظمی و متولی، ۱۳۹۲: ۵۶). فضای مسکونی باید بتواند شرایط لازم برای رشد فردی هر یک از افراد خانواده اعم از خرد و بزرگ فراهم آورد. یعنی هر یک از افراد خانه باید قادر باشند بر حسب نیازهای روحی و روانی و علایق خود، فضای مناسب و حریم لازم را برای انجام فعالیت‌ها و کسب آسایش و آرامش بیابند. در عین حال فضای مسکونی باید بتواند محیط لازم را برای برقراری رابطه خانوادگی و همبستگی آن و حفظ کيان خانواده ایجاد کند (اقبالی و حصاری، ۱۳۹۲: ۵۴). مسکن که در ابتدا تنها سرپناهی برای حفظ انسان از گرما و سرما بود، به تدریج با شکل‌گیری فرهنگ‌ها و عقاید مختلف، منعکس‌کننده جهان‌بینی ملت‌های مختلف گردید، به طوری که با مطالعه دقیق معماری هر دوره، می‌توان از جزئی‌ترین عقاید اقوام آگاهی یافت. ایرانیان نیز با الهام از مبانی جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ سنتی ایرانی، محیطی ایده‌آل برای زندگی فراهم کردند (ایرانمنش و محقق، ۱۳۹۴: ۴).

در دین مبین اسلام، مسکن نه تنها باید شرایطی را داشته باشد تا خانواده‌ها از نظر اقتصادی توان تهیه آن را داشته باشند، بلکه باید شرایطی را دارا باشد که بتواند به عنوان محل امن و سکنی و آرامش انسانی ایفای نقش کند (محمدیان‌مصمم و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶). در قرآن مناسب‌ترین سکونتگاه برای انسان مکانی است که با نیازهای وجودی انسان سازگاری داشته باشد و زمینه را برای دستیابی به رشد و تعالی فرد فراهم آورد (طباطبایی ملاذی و پورمند، ۱۳۹۴: ۳). از این رو، آموزه‌های اسلامی سعی بر آن دارند که مسکن مطلوبی را ارائه نمایند که بیشترین تطابق را با فطرت الهی انسان که همانا میل و گرایش به حقیقت، عروج به کمال، تمایل به خلاقیت، تمایل به خیر و دستیابی به فضیلت و تمایل بی‌پایانش به زیبایی دنیوی از یک طرف و عشق روحانی و نیاز به پرستش داشته باشد (سجادیان و ملکی، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

مفهوم مسکن و سکونتگاه در قرآن

سکونتگاه در قرآن با عبارتی مانند بیت، دیار، دار، مسکن، بنیان، مرصوص، قصر، العماد، عمارت (توبه، آیه: ۹ و روم، آیه: ۹)، عروش، بنا (نحل، آیه: ۲۶ و صافات، آیه: ۹۷)، مدینه (اعراف، آیه: ۱۲۳) قریه یاد می‌شود. در قرآن واژه مسکن به معنای جایی که در آن آرامش باشد، آمده است (الانعام، آیه: ۱۳ و ۹۶). کلمه «بیت» که به کرات در قرآن کریم به کار رفته است، عمدتاً در مواضعی دیده می‌شود که به کالبد و هیات ظاهری خانه اشاره دارد. به عبارتی نمونه «بیت من زخوف» (اسراء، آیه: ۹۳) و یا «بیت وضع للناس» (آل عمران، آیه ۹۶) و یا «بیت العنکبوت» (عنکبوت، آیه: ۴۱) و یا «من الجبال بیوتا» (شعرا، آیه: ۱۴۹).

کلمه مسکن نیز به گونه‌ای محدود (سه مورد) در قرآن به کار برده شده است که دو مورد آن با صفت طیبه همراه شده (توبه، آیه: ۷۱ و صف، آیه: ۱۲) و بیشتر دلالت بر سکینه و آرامش اخروی انسان دارد و در یک مورد دیگر با اشاره به قوم سبا (سبا، آیه: ۵) و سرنوشت عذاب‌آور آنان تلقی اسکان و سکونتگاه فیزیکی به ذهن متبادر می‌گردد (فیاض‌انوش و سنائی‌راد، ۱۳۹۱: ۳۲۱). مسکن از مهمترین نعمت‌هایی است که تا آن نباشد دیگر امکانات برای بشر گوارا نخواهد بود. حضرت علی (علیه السلام) فرموده‌اند: اعلموا عبادالله ان المتقين ذهبوا بعاجل الدنيا و اجل الاخرة فشارکوا اهل الدنيا في دنياهم و لم یشارکهم اهل الدنيا في آخرتهم سکونوا الدنيا بافضل ما سکنت (نهج البلاغه، فراز دوم، نامه ۲۷). آگاه باشید ای بندگان خدا، پرهیزگاران از

دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند؛ با مردم دنیا در آخرت آن‌ها شرکت نکردند. پرهیزگاران در بهترین وجه در خانه‌های دنیا سکونت کردند (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۹).

جایگاه حیاط در مسکن ایرانی

حیاط مکان مناسبی برای ارتباط انسان با عناصر طبیعی و از جمله آب است. حیاط مرکز و قلب خانه است و وجود حیاط مرکزی در خانه‌های سنتی ایران، نمودی از درون‌گرایی است. درون‌گرایی؛ یکی از ویژگی‌هایی است که در درجه اهمیت به باطن را در مقابل توجه به ظاهر تجلی می‌سازد و در اصل تأکیدی بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی (باطن) است (سرابی، ۱۳۹۱: ۳۰). حیاط‌های مرکزی الگوی کهنی است که در بسیاری از کشورهای آسیا، شمال آفریقا، جنوب آمریکا، اروپا و نیز در ایران مورد استفاده قرار گرفته است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰). شاید ابتدایی‌ترین نحوه کاربرد حیاط برای ایجاد نشانه‌ای از تملک باشد. ایجاد حصار صرفاً بوسیله‌ی دیوارهای بلند صورت نگرفته است. در مناطقی مثل گیلان، با احداث پرسین‌هایی از تیرک‌های چوبی و شاخه‌ی درختان این حریم را مشخص کرده‌اند (معماریان، ۱۳۹۱: ۱۳).

امنیت آسایش در مسکن

با توجه به رشد جمعیت و افزایش نیاز به مجموعه‌های مسکونی در شهرها، ضرورت ایجاد حس امنیت به عنوان یکی از عوامل انسانی - محیطی نقش مهمی را در رضایت‌مندی و آسایش افراد در زندگی‌شان ایفا خواهد نمود (رضایی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۱: ۷-۱). امنیت جانی و مالی انسان‌ها در خانه‌هایی که زندگی می‌کنند، اصلی‌ترین راهبرد در تصمیم‌گیری‌های کلان کشورها برای برنامه‌ریزی مسکن است (فاندرحمتمی و جمشیدی، ۱۳۹۴: ۱۲۲). وجود امنیت نیز یکی از شاخص‌های مهم کیفیت مسکن می‌باشد. امنیت، در واقع حفاظت از مسکن و وسایل آن در مقابل عوامل مستقیم و غیرمستقیمی است که موجب ضرر رساندن به مسکن و در واقع عدم امنیت آن می‌شود (اکبری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۴). سازمان اسکان بشر در سال ۲۰۰۳ میلادی، امنیت تصرف زمین را «قابلیت زندگی کردن در یک مکان بدون ترس از دست دادن آن مکان» تعریف کرده است. ولی این تعریف در سال‌های اخیر، دستخوش تحول شده و از مفهوم ساده قانونی اولیه خود فاصله گرفته و وارد بحث‌های روانشناسی اجتماعی شده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). امنیت می‌تواند در سلسله‌مراتبی از فضای خصوصی خانه تا فضای کاملاً عمومی بازار و میدان مطرح باشد. از مصادیقی که موجب ارتقای امنیت در فضاهای شهری سنتی می‌شد، اختلاط کاربری‌های شهری بود. این مهم را می‌توان در ورودی‌های شهر و سایر فضاهای عمومی مشاهده نمود. وجود پیرنشین در محلات یکی دیگر از عوامل ارتقای امنیت شهر سنتی است. در شهرهای عصر صفویه توجه به امنیت و حریمیت تا آنجا مشهود است که ابزاری که برای کوبیدن درب به کار می‌رفته است متمایز از مردان و صدای تولید شده از آن‌ها نیز متفاوت از یکدیگر است (هاشمی و میرغلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

محرمیت در مسکن ایرانی

محرمیت یکی از اصول اساسی و قابل توجه در معماری سنتی ایران است که به نحوی معنادار با هویت ایرانی اسلامی همراه بوده است. اصل محرمیت به عنوان یک اصل حاکم بر تمامی شئون زندگی، به زیبایی در معماری سنتی ایران کالبد یافته و آثار و نتایج عمیقی در سازماندهی فضایی و نحوه قرارگیری عملکردهای گوناگون داشته است (دهداری، ۱۳۹۵: ۱۰۳). در معماری سنتی ایران، خانه در بافت‌های شهری پیوسته، متراکم و درونگرا، فضایی خصوصی برای زندگی خانوادگی به حساب می‌آمد

که معمولاً اصل محرمیت در طراحی و احداث آن رعایت می‌شد تا افراد خانواده از دید اشخاص نامحرم (غیرخودی) محفوظ باشند. بر اساس همین دوگانگی (خودی و غیر خودی) فضای معماری ساخته شده نیز از دو بخش اندرونی (فضای خودی) و بیرونی (فضای غیرخودی) تشکیل شده بود. با کمی تأمل در تاریخ و ادبیات داستانی کشورمان به خوبی می‌توان این نوع نگرش را در جدایی فضاهای خصوصی و عمومی در جامعه سنتی و گذشته ایران دید (بانی مسعود، ۱۳۹۰: ۲۶۲).

درون‌گرایی مسکن ایرانی

درون‌گرایی مفهومی است که به صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته و با حضوری آشکار، به صورت‌های متنوع، قابل درک و مشاهده است. اصولاً در ساماندهی اندام‌های گوناگون ساختمان به ویژه خانه‌های سنتی، باورهای مردم، بسیار تأثیرگذار بوده است. یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون‌گرا ساخته است (جوزن، ۱۳۹۴: ۱۵ به نقل از ریمون، ۱۳۷۰). بحث دور‌نگه داشتن حریم مقدس خانواده از دید غیر، بحثی است که حداقل تاریخ خانه‌های درون‌گرای ایران را پس از ظهور دین مبین اسلام دگرگون کرده است. از این رو سازنده خانه با رعایت مسائل جغرافیایی، حریم امن برای خانواده بوجود آورده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). درون‌گرایی که از صفات ممیزه و اساسی خانه ایرانی محسوب شده، صفتی است که بر حسب مقتضیات اقلیمی یا جهان‌بینی و فرهنگ قومی ایرانی به معماری خانه افزوده شده و عنصر بنیادی و جهت‌آفرین است. در خانه‌های سنتی حریم درون همانند سرزمین و هویت، مهم و شایسته پاسداری بوده است، در فرهنگ سنتی ایرانی خانه‌ها حریم اندرونی و بیرونی داشتند تا چشم بیگانه به ناموس خانه نیفتد؛ بنابراین مرزی میان محرمان ساکن خانه وجود نداشته و فرزندان و اعضای خانواده در اتاقی مشترک زندگی می‌کردند (کرانی و علی‌الحسابی، ۱۳۹۲: ۲۴).

پیشینه پژوهش

در زمینه سنجش و بررسی مسکن اسلامی پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته که در اینجا به اختصار به چند نمونه از پژوهش‌های انجام گرفته اشاره می‌گردد.

محمدزاده و جوانرودی (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان «بازطراحی فضاهای جمعی و خصوصی مسکن در ساختار شهر ایرانی-اسلامی»، به بازطراحی فضاهای جمعی و خصوصی مجتمع بهارستان ۲ سنندج با رویکرد ارتقاء سلامت اجتماعی در ساختار شهر ایرانی-اسلامی می‌پردازند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که اغلب سکنه مجتمع بهارستان از کوچک و دلگیر بودن فضاها، نادیده انگاری تباینات فرهنگی و اجتماعی و در نتیجه تجانس و همگرایی کم فضاهای خصوصی و عمومی ناراضی هستند. سادات و ضرغامی (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی-اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز» به بررسی و شناخت ضرورت‌ها و نیازهای طراحی معماری ایرانی-اسلامی در شرایط کنونی جامعه پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که برای بازگشت به الگوی ایرانی اسلامی در طراحی و اجراء مجتمع‌های مسکونی امروزی چهار عامل «امنیت و آسایش»، «داشتن حریم خصوصی»، «استفاده از عوامل طبیعی» و «تواضع در خانه» به عنوان شاخصه‌های مشترک، مسکن بر مبنای فرهنگ ایرانی-اسلامی و مسکن آپارتمانی امروز هستند. مشکینی و رضایی مقدم (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی-ایرانی»، به منظور تجلی ارزش‌های اسلامی در کالبد شهر به شناسایی ارزش‌هایی می‌پردازند که بتوانند با ظهور در مجتمعی اسلامی هویت آن را نمایش دهند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که علی‌رغم وجود

اصول و ارزش‌های تأثیرگذار که می‌تواند در ساخت محیط، خود را نمایان سازد، اجرای این اصول و ارزش‌ها نیازمند یک کار فرهنگی درازمدت است تا استحاله حاکم بر شهرها و شهرسازی را منطبق با این اصول راهنمایی کند.

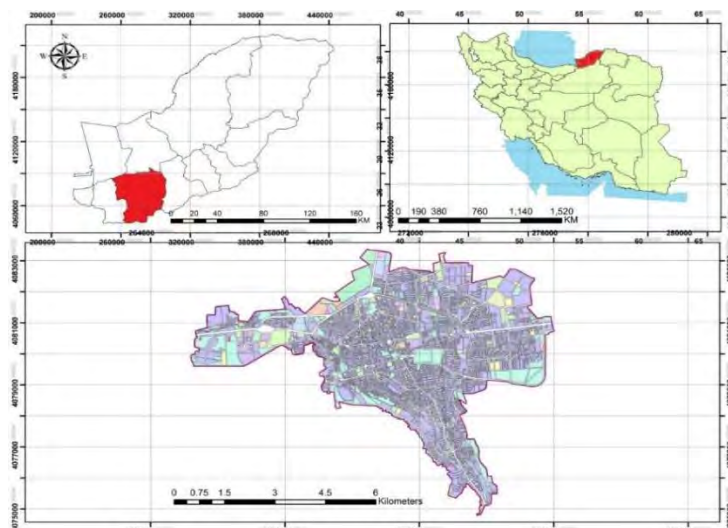
مهوش و سعدوندی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی شاخص‌سازی مفاهیم اسلامی در معماری اسلامی» به معرفی مختصر شاخص‌سازی و نیز آسیب‌شناسی شاخص‌سازی مفاهیم اسلامی در معماری اسلامی می‌پردازد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد بسیاری از نواقص، به عدم شناخت مشخصات و ویژگی‌های شاخص از جمله غیرمفید بودن، عدم جامعیت، عدم بررسی اعتبار و پایایی شاخص‌ها و نیز عدم رعایت کامل فرآیند شاخص‌سازی از جمله وزن‌دهی آن‌ها بر می‌گردد. در پژوهشی دیگر، شمس و همکاران (۱۳۹۴)، تحت عنوان «تأثیرات جهانی شدن بر ساختار کالبدی شهرهای اسلامی» به بررسی شهر اصفهان می‌پردازند. نتایج حاصل از پژوهش فوق نشان می‌دهد که فرآیند جهانی شدن در شهر اصفهان باعث تغییراتی در فضاهای کالبدی شهر اصفهان گردیده است که از جمله در کاربری مسکونی باعث پیش رفتن به سوی بلندمرتبه سازی (۳ و ۴ طبقه) و آپارتمان‌نشینی، در کاربری تجاری باعث ایجاد فروشگاه‌های بزرگ از جمله فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ مانند رفاه و هایپرستار شده است که باعث صرفه‌جویی در هزینه و زمان شده است. در کاربری شبکه معابر ایجاد شبکه بزرگراهی و اتوبان‌های دو طبقه شده است. چنان‌که می‌توان بیان داشت که جهانی شدن تغییرات زیادی در فضاهای کالبدی شهر اصفهان به جای گذاشته و این تغییرات نیز ادامه خواهد داشت.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به ارزیابی و بررسی مسکن شهر گرگان به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مسکن اسلامی و دیدگاه سبک زندگی اسلامی ایرانی می‌پردازد. نوع پژوهش کاربردی - تطبیقی و روش پژوهش، تفسیری - تاریخی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر از دو روش مطالعات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده است. در شیوه‌میدانی از پرسشنامه محقق‌ساخت استفاده شده است. جهت بررسی روایی پرسشنامه‌ها از نظرات نخبگان، اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران و جهت سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار $0/82$ بدست آمده است. که در سطح قابل قبول می‌باشد. شاخص‌های مورد نظر در پژوهش حاضر شامل: کالبدی، زیست‌محیطی و فرهنگی، و مؤلفه‌های مورد استفاده در مطالعه حاضر شامل: نوع سبک بنا، محریمیت و عدم اشراف واحدهای مسکونی در همجواری یکدیگر، وضعیت زیست‌محیطی مسکن، نزدیکی به مراکز فرهنگی و مذهبی و همخوانی واحد مسکونی با فرهنگ و سنت می‌باشد. جامعه آماری نیز کلیه واحدهای مسکونی شهر گرگان می‌باشد که حجم نمونه براساس فرمول کوکران 375 واحد مسکونی مشخص شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و تحلیل آمارها از نرم‌افزارهای آماری SPSS، Excel و آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون جهت ترسیم نقشه‌ها و نمایش پراکندگی شاخص‌ها در سطح شهر از نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی Arc GIS استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

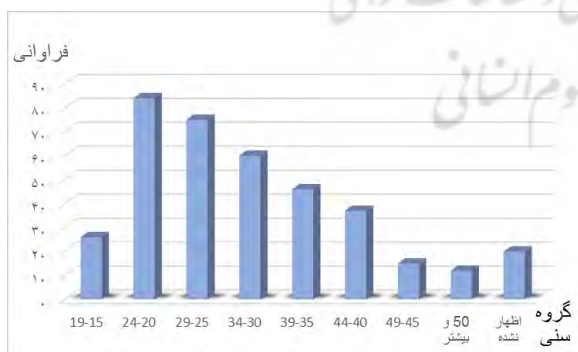
مساحت شهر گرگان با احتساب حوزه نفوذ شهرستان، $1651/81$ کیلومتر مربع در شمال کشور ایران واقع در استان گلستان می‌باشد. که از شرق به علی‌آباد، از شمال به آق‌قلا، از غرب به کردکوی و از جنوب به استان سمنان محدود شده است. ارتفاع متوسط آن از سطح دریا 155 متر است. این شهر در 54 درجه و 24 دقیقه تا 54 درجه و 28 دقیقه طول شرقی و 36 درجه و 24 دقیقه تا 36 درجه و 49 دقیقه عرض شمالی در دامنه شمال رشته کوه‌های البرز گسترده شده است (سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۹۴). نقشه شماره (۱)، موقعیت شهر گرگان در استان گلستان را نشان می‌دهد.



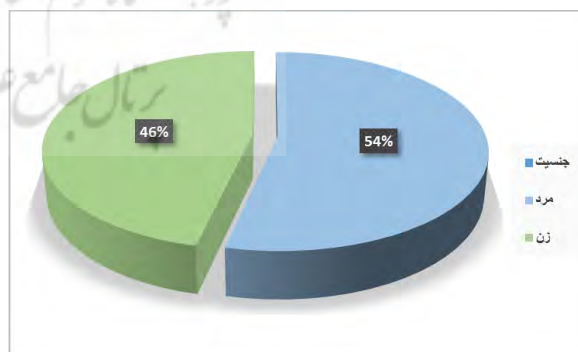
شکل (۱): موقعیت شهر گرگان در استان گلستان و ایران

یافته‌ها

با توجه به بررسی وضعیت مسکن بر اساس شاخص‌های مطرح در دیدگاه اسلام، به تحلیل وضعیت مسکن شهر گرگان با توجه به شاخص‌ها و معیارهای مورد نظر می‌پردازیم. بر این اساس در این بخش از پژوهش در راستای پاسخ به سؤالات، به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی پرداخته شده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده از تجزیه و تحلیل پرسشنامه، ۵۳/۶ درصد کل جامعه نمونه پژوهش را مردان و ۴۶/۴ درصد آن را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین بیشترین رده سنی متعلق به گروه سنی ۲۰-۲۴ سال، با میزان ۲۲/۴ درصد از کل نمونه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد. وضعیت متغیر تراکم خانوار در کل جامعه نمونه پژوهش بر حسب تعداد اعضای خانواده نشان دهنده این وضعیت است که، خانواده‌های با جمعیت ۴ نفره با ۳۳/۰۶ درصد بیشترین فراوانی و خانواده‌های ۱ نفره با ۱/۳۳ درصد کمترین فراوانی از کل جامعه نمونه را تشکیل می‌دهند.



شکل (۳): توزیع فراوانی وضعیت سنی پاسخگویان



شکل (۲): توزیع فراوانی وضعیت جنسیت پاسخگویان

ویژگی‌های عناصر کالبدی، نوع بافت، تزیینات و اجزاء مسکن از عناصر مؤثر و اثرگذار در شکل‌گیری حس تعلق به مکان، فضا و منظر شهری، ساختار و کارکرد سکونتگاه‌ها و نوع زندگی ساکنین می‌باشد که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در روابط و فعالیت روزمره اثرگذار است. در این میان حیاط یا فضای باز در واحد مسکونی با نقش و کارکردهای متفاوت و متنوع با توجه

به اقلیم منطقه یکی از اجزای مهم خانه در معماری گذشته و امروزه می‌باشد که از اهمیت خاصی برخوردار است. حیاط در معماری ایران به عنوان یکی از فضاهای اصلی از زمان پیش از اسلام تاکنون نقش اساسی داشته است. که با توجه به شرایط فرهنگی و محیطی هر منطقه شکل گرفته است و به عنوان یکی از شاخص‌های خانه‌های سنتی ایران شناخته می‌شود. از این رو به بررسی وضعیت خانه‌های شهر گرگان به لحاظ برخورداری از حیاط مرکزی به عنوان یکی از عناصر خانه‌های سنتی می‌پردازیم.

جدول (۱): مشخصات مساکن مورد مطالعه در شهر گرگان

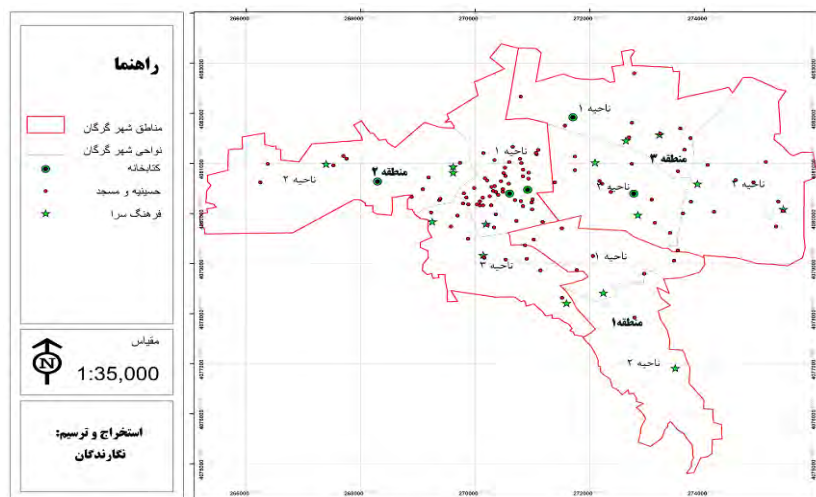
ردیف	نوع سبک بنا	منطقه ۱ شهرداری	منطقه ۲ شهرداری	منطقه ۳ شهرداری
		فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
۱	مدرن	۶۳	۵۱	۵۶
۲	سنتی	۳۷	۴۹	۴۴
۳	دارای حیاط	۶۴	۶۵	۷۱

بر اساس اطلاعات جدول (۱)، بیش‌ترین خانه‌های با سبک معماری مدرن با مقدار ۶۳ درصد در منطقه یک شهرداری قرار دارد که از دلایل این امر می‌توان به محدودیت زمین در این منطقه و تراکم بالا ساختمان‌ها که اکثراً به شکل آپارتمان می‌باشد و نوع ساخت و ساز مدرن و تقلید از الگو غربی اشاره کرد. منطقه دو شهرداری با مقدار ۵۱ درصد در مرتبه دوم و منطقه ۳ شهرداری با ۶۷ درصد از کم‌ترین میزان مساکن به شکل نوین برخوردار است. اما براساس نتایج حاصل از فراوانی خانه‌های به سبک سنتی، بیش‌ترین خانه‌های سنتی شهر گرگان در منطقه دو شهرداری با مقدار ۶۵ درصد قرار دارد. قرارگیری محلات قدیم و تاریخی، همچنین بافت سنتی گرگان در مرکز شهر و در محدوده منطقه دو شهرداری از دلایل اصلی فراوانی بناهای سنتی در این منطقه می‌باشد. به لحاظ دارا بودن حیاط در واحدهای مسکونی، منطقه یک شهرداری با مقدار ۶۴ درصد، با توجه به دلایلی که ذکر شد از جمله ساخت و سازهای به شکل آپارتمان در این منطقه شهری باعث شده است که بیشتر خانه‌های موجود در این منطقه بدون حیاط و به شکل بلوک‌های آپارتمانی جلوه‌گر شود و در مقایسه با سایر مناطق شهر گرگان از نسبت پایین‌تری برخوردار باشد.

- نزدیکی به مساجد و مراکز مذهبی و مراکز فرهنگی

دسترسی به مراکز و توزیع برابر خدمات در سطح شهر نشان از توسعه و رعایت عدالت در توزیع امکانات و رفاه در سطح جامعه می‌باشد. در این راستا نزدیکی واحدهای مسکونی و دسترسی به مراکز فرهنگی - آموزشی و مراکز مذهبی باعث افزایش رفاه و رضایت در میان ساکنین می‌گردد. بر این اساس در پژوهش حاضر به بررسی میزان دسترسی افراد به مراکز فرهنگی، آموزشی و مذهبی پرداخته شده است. نتایج بدست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که تعداد ۲۸۵ نفر از پاسخگویان معادل ۷۶ درصد، ابراز کرده‌اند که واحد مسکونی آن‌ها به مراکز فرهنگی و اماکن مذهبی مانند مسجد و کتابخانه نزدیک بوده و دسترسی آن‌ها به مراکز ذکر شده امکان‌پذیر و بدون مشکل می‌باشد. در مقابل تعداد ۹۰ نفر از پاسخگویان معادل ۲۴ درصد از جامعه مورد مطالعه اظهار داشته‌اند که واحد مسکونی آن‌ها به لحاظ دسترسی به مراکز مذهبی و فرهنگی از فاصله بسیار زیادی برخوردار بوده است. و از فاصله نسبتاً زیادی تا مراکز فرهنگی و مذهبی برخوردار می‌باشند. شکل شماره (۴)، توزیع فضایی

کتابخانه، حسینیه، مساجد و فرهنگسرا در سطح نواحی شهر گرگان و دسترسی ساکنین به مراکز مذکور را به تفکیک نواحی نمایش می‌دهد.



شکل (۴): توزیع فضایی کتابخانه، حسینیه، مساجد و فرهنگسرا در سطح نواحی شهر گرگان

همچنان که از نقشه شماره (۲)، قابل مشاهده است بیشترین فراوانی مراکز کتابخانه، حسینیه، مساجد و فرهنگسراها در منطقه ۲ شهرداری شهر گرگان، با تمرکز در ضلع غربی منطقه قرار دارد و از توزیع یکنواخت و عادلانه‌ای برخوردار نیست به گونه‌ای که در نواحی شرق، شمال و شمال شرق منطقه ساکنین از دسترسی کمتری نسبت به غرب منطقه برخوردار می‌باشند. پس از منطقه ۲، بیشترین فراوانی مراکز مورد نظر در سطح منطقه ۳ شهر قابل مشاهده می‌باشد. در این منطقه مراکز کتابخانه، حسینیه، مساجد و فرهنگسراها از توزیع فضایی یکسانی در سطح منطقه برخوردار می‌باشند به گونه‌ای که تمامی ساکنین از دسترسی یکسانی برخوردار می‌باشند و نسبت به دو منطقه دیگر از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. اما در منطقه ۱ شهر همچنان که قابل مشاهده است کمبود مراکز مذکور و عدم توزیع برابر جهت دسترسی ساکنین وجود دارد به گونه‌ای که ساکنین این منطقه نسبت به ساکنین مناطق ۲ و ۳ از دسترسی کمتری برخوردار می‌باشند.

- اشراف و دید داشتن واحدهای مسکونی در همسایگی و همجواری یکدیگر

مفهوم محرومیت و عدم اشراف واحدهای مسکونی بی‌تردید برخواسته از ارزش‌ها و باورهای دینی و فرهنگ اسلامی- ایرانی است که به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز معماری سنتی ایران مطرح می‌باشد. به طوری که تأکید فراوان بر رعایت آن در آموزه‌های اسلام و آیات قرآن کریم شده است. رعایت حریم خصوصی در ساخت مسکن بر پایه اصول طراحی بومی و دینی باعث ایجاد آرامش و خوشبختی ساکنین گردیده و از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری به عمل می‌آورد. با توجه به این امر، بر اساس اطلاعات بدست آمده از نتایج پژوهش، ۲۳۶ نفر معادل ۶۳ درصد از پاسخگویان ابراز کرده‌اند که واحدهای مسکونی در همسایگی و همجواری با واحد مسکونی آن‌ها دید و اشراف دارد و موجب نارضایتی مالکین از این امر گردیده است و متأسفانه در مواردی باعث ایجاد اختلاف، درگیری و ناراحتی میان همسایگان شده است.

– همخوانی واحد مسکونی با فرهنگ و سنت

خصوصیات بارز مسکن ایرانی برگرفته از باورها و فرهنگ ایرانی و ریشه در عقاید و آموزه‌های دینی دارد که سازگار با اقلیم و فرهنگ جامعه بوده است. در ارتباط با سنخیت واحد مسکونی با فرهنگ و سنت‌های ملی و مذهبی، ۲۵۸ نفر معادل ۶۹ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که واحد مسکونی تحت تصرف‌شان با فرهنگ‌شان هم‌خوانی و سنخیت دارد. اما تعداد ۱۱۷ نفر معادل ۳۱ درصد از پاسخگویان بیان نموده‌اند که مسکن آن‌ها با فرهنگ‌شان مغایرت داشته و براساس فرهنگ غربی و الگوی سبک زندگی غیر از ایرانی-اسلامی است.

– میزان رضایت ساکنین در ارتباط با وضعیت زیست‌محیطی مسکن تحت تصرف

در روایات مختلف تأکید فراوان بر عدم آلوده کردن اماکن عمومی، هوا، کوی و برزن شده است و جهت برطرف کردن آلودگی سفارش و ترغیب شده است. محیط پاکیزه باعث تربیت انسان سالم و گامی در جهت توسعه و حفظ محیط‌زیست می‌گردد. در این راستا، به بررسی واحد مسکونی به لحاظ، میزان آلودگی در محل، عدم وجود موجودات موزی، پاکیزگی فضاهای عمومی، کیفیت هوا، آلودگی صوتی و رضایت از نزدیکی به طبیعت پرداخته شده است. جدول شماره (۲)، نتایج حاصل از میزان وجود رابطه معنادار میان رضایت ساکنین و وضعیت زیست‌محیطی مسکن تحت تصرف را نشان می‌دهد.

جدول (۲): ضریب همبستگی بین میزان رضایت ساکنین از وضعیت زیست‌محیطی مسکن تحت تصرف

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد نمونه
رضایت ساکنین از وضعیت زیست-محیطی مسکن	۰,۴۷۱**	۰,۰۰۰**	۳۷۵
**معنی‌داری ۹۹٪			

با توجه به نتایج بدست آمده، میزان ضریب همبستگی بین رضایت ساکنین از وضعیت زیست‌محیطی سکونتگاه‌های خود ۰,۴۷۱ است که با توجه به سطح معناداری صفر بیانگر رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن میزان ارزشی پیرسون همبستگی مستقیم و فزاینده است. در واقع هر چه بُعد زیست‌محیطی و شاخص‌های آن وضعیت بهتری پیدا کنند، رضایت ساکنین نیز بیشتر خواهد شد. پس با توجه به مقدار آماره به دست آمده بین بُعد زیست-محیطی و رضایت ساکنین، رابطه معنادار وجود دارد.

– مناسب بودن فضای مسکونی از دید ساکنین

در دین مبین اسلام، مسکن باید شرایطی را دارا باشد که بتواند به عنوان محل امن و سکنی و آرامش انسانی ایفای نقش کند. در قرآن نیز واژه مسکن به معنای جایی که در آن آرامش باشد، آمده است (الانعام، آیه: ۱۳ و ۹۶). در قرآن مناسب‌ترین سکونتگاه برای انسان مکانی تعریف شده است که با نیازهای وجودی انسان سازگاری داشته باشد و زمینه را برای دستیابی به رشد و تعالی فرد فراهم آورد. از این رو در پژوهش حاضر مسکن شهر گرگان را از نظر شاخص مطلوب بودن مسکن و میزان رضایت ساکنین از وضعیت معماری مسکن تحت تصرف خود مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. بر این اساس از شاخص‌های، خوش نقشه بودن، آفتاب‌گیر بودن، استفاده مناسب از فضا، نمای بیرونی و داخلی ساختمان و شاخص محوطه‌سازی بیرونی در

بررسی میزان مطلوبیت مسکن تحت تصرف ساکنین استفاده شده است. جدول شماره (۳)، نتایج حاصل از میزان وجود رابطه معنادار میان رضایت ساکنین و مطلوبیت معماری مساکن تحت تصرف را نشان می‌دهد.

جدول (۳): ضریب همبستگی بین میزان رضایت ساکنین از مطلوبیت معماری مسکن تحت تصرف

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد نمونه
رضایت ساکنین از وضعیت معماری مساکن	۰,۳۱۹**	۰,۰۰۰**	۳۷۵

**معنی داری ۹۹٪

با توجه به نتایج بدست آمده، میزان ضریب همبستگی بین رضایت ساکنین از وضعیت معماری سکونتگاه‌های خود ۰,۳۱۹ است که با توجه به سطح معناداری صفر بیانگر رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی وجود دارد. بدین معنا که هر چه معماری مسکن از وضعیت بهتری و کیفیت مناسبی جهت زندگی ساکنین برخوردار باشد، به همان میزان نیز رضایت ساکنین بیشتر خواهد شد. بنابراین با توجه به مقدار آماره به دست آمده بین وضعیت معماری مسکن و رضایت ساکنین، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های بارز مساکن ایرانی در دوران قبل از اسلام و دوران بعد از اسلام، خصوصیت درون‌گرایی و رعایت اصول محرمیت در طراحی و ساخت مسکن است. رعایت اصول درون‌گرایی یکی از ویژگی‌های خانه‌های ایرانی است که ریشه در باورها و فرهنگ اصیل ایرانی دارد. نداشتن ارتباط و رعایت عدم اشراف واحدهای مسکونی به عنوان خصوصیتی که برخاسته از فرهنگ قومی و جهان‌بینی ایرانی است را می‌توان از دید فرهنگ ایرانی - اسلامی مورد بررسی قرار داد. رعایت اصول درون‌گرایی و محرمیت در مسکن که کاملاً با فرهنگ ایرانی - اسلامی سازگار بوده است در دوران جدید تحت تأثیر عصر صنعتی و مدرنیسم تحت شعاع قرار گرفته و از سبک اصیل خود (ایرانی - اسلامی) فاصله گرفته و به سمت الگوی غربی پیش می‌رود تا آنجا که امروزه در سطح شهرهای ایران به طور خاص شاهد بناها و معاری‌های برگرفته از الگو غربی و بیگانه با معماری بومی و فرهنگ ملی هستیم. شهر گرگان نیز در روند توسعه چند ساله اخیر خود از این قاعده مستثنی نبوده است. نتایج حاصل از مطالعه حاضر بیانگر این امر است که، ساخت و سازهای انجام گرفته در سطح شهر گرگان نشان از پیروی و تقلید از الگوی غربی و مدرن و عدم رعایت طرح‌های بومی و همسو با فرهنگ جامعه بوه است. در ارتباط با اشراف و دید داشتن واحدهای مسکونی در همسایگی و هم‌جواری یکدیگر اصول معماری ایرانی رعایت نشده است که این امر موجب نارضایتی ساکنین این‌گونه مساکن شده است. در بحث هم‌جواری و نزدیکی واحدهای مسکونی با مراکز مذهبی و فرهنگی نیز مشخص گردید که این مراکز از توزیع یکسان برخوردار نبوده و قسمت‌های از شهر با کمبود این مراکز و یا فاصله زیاد دسترسی واحدهای سکونتی با این مراکز می‌باشد. در خصوص هم‌خوانی واحد مسکونی با فرهنگ و سنت نیز ساکنین ابراز نارضایتی نموده و بیان نمودند که ساختمان تحت تصرف آن‌ها با فرهنگ و هویت دینی آنان مغایرت دارد. نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در ارتباط با شاخص میزان رضایت ساکنین و متغیرهای وضعیت زیست‌محیطی و وضعیت معماری سکونتگاه‌های تحت تصرف نشان می‌دهد که در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی و ارتباط معنادار و مستقیم میان متغیرهای مذکور و میزان

رضایت ساکنین وجود دارد. بنابراین چنین می‌توان نتیجه گرفت که تحولات کالبدی- فضایی شهر گرگان در دهه‌های اخیر بر اثر توسعه و پیشرفت شهر و گسترش روند شهرسازی تأثیر شگرفت و عمیقی بر الگو ساخت و ساز و نوع مسکن شهری گذاشته است و شکاف عمیقی بین هویت ملی و فرهنگ بومی مردمان شهر با محل سکونت آن‌ها ایجاد کرده است. به گونه‌ای که خانه‌ها کارکرد و نقش اصیل خود را از دست داده‌اند و دیگر هویت گذشته خود را ندارد.

راهبردها و پیشنهادات پژوهش

- در راستای تحقق به اهداف پژوهش، راهبردها و راهکارهایی در قالب پیشنهادات پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:
- توجه به الگوی معماری ایرانی^۰ اسلامی در مقابل با الگوهای وارداتی معماری.
 - توجه به بافت قدیم و سنتی و کم کردن فاصله با بافت جدید شهری جهت زنده نگهداشتن سبک معماری ایرانی در مقابل معماری غربی.
 - لزوم توجه به خواسته‌ها، نیاز و فرهنگ مردم ساکن در طراحی مسکن و رعایت الگوی معماری بومی.
 - شناخت، تقویت و بکارگیری شاخص‌های معماری ایرانی در معماری و شهرسازی نوین.
 - رعایت اصل محرمیت در ساخت مساکن جهت حفظ حریم خصوصی ساکنین خانه و جلوگیری از اشراف داشتن.
 - توجه بیشتر مسئولین و مدیران شهری به مقوله مسکن و رعایت اصول معماری ایرانی- اسلامی.
 - رعایت اصول هم‌جواری و فراهم آوردن زمینه مشارکت و ارتقاء روابط همسایگی در طراحی مجتمع‌های مسکونی.
 - تدوین برنامه‌های فرهنگی- آموزشی در راستای تقویت سبک زندگی ایرانی- اسلامی جهت جلوگیری از سبک زندگی غربی.
 - رعایت و بکارگیری المان‌ها و نمادهای هویتی ایرانی- اسلامی در ساخت و طراحی خانه‌ها و محلات شهری.
 - ایجاد حس تعلق به مکان در میان ساکنین.

منابع

- قرآن کریم.
- احمدی، وحید؛ پیله‌چیان، عارفه و طالبی، فریده، (۱۳۹۲)، «انطباق طراحی خانه‌های مسکونی متناسب با اقلیم و معماری بومی»، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد، دی‌ماه.
- اخوت، هانیه، (۱۳۹۰)، «بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی براساس آیات قرآن و روایات»، *دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم*، سال ۳، شماره ۲، صفحات ۸۶-۶۸.
- اقبالی، رحمان و حصار، پدرام، (۱۳۹۲)، «رویکرد مدولار و پیش ساختگی در مسکن انعطاف‌پذیر»، *فصلنامه علمی- پژوهشی مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۴۳، صفحات ۶۸-۵۳.
- اکبری، نعمت‌اله؛ خوش‌اخلاق، رحمان و مردیها، سارا، (۱۳۹۲)، «سنجش و ارزشگذاری عوامل مؤثر بر انتخاب مسکن با استفاده از روش انتخاب تجربی از دیدگاه خانوارهای ساکن در بافت فرسوده شهر اصفهان»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، سال ۱۳، شماره ۳، صفحات ۴۷-۱۹.
- ایرانمنش، لیلی و محقق، حمید، (۱۳۹۴)، «بررسی ویژگی‌های معماری مسکن سنتی ایران براساس الگو فرهنگی ایرانی- اسلامی»، *همایش ملی جوان و اصالت فرهنگی*، پاییز.
- آریان کیا، مصطفی؛ بادست، بنفشه و میرکتولی، جعفر، (۱۳۹۵)، «سنجش وضعیت پایداری شاخص‌های کالبدی مسکن در راستای ارتقای توسعه سکونتگاه‌های شهری؛ مطالعه موردی: شهر گرگان»، *فصلنامه مطالعات نواحی شهری*، سال ۳، شماره ۴، صفحات ۱۴۶-۱۲۵.
- بانی مسعود، امیر، (۱۳۹۰)، «معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته)»، *نشر هنری معماری قرن*، چاپ چهارم، تهران.
- بمانیان، محمدرضا؛ ارجمندی، سحر و علی محمدی، فرزانه، (۱۳۹۲)، «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن؛ نمونه موردی: سه مورد از خانه‌های ایرانی- اسلامی»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۲، صفحات ۱۰۰-۸۹.
- پورجعفر، محمدرضا؛ تابان، محسن؛ بمانیان، محمدرضا و حیدری، شاهین، (۱۳۹۲)، «تعیین الگوی بهینه حیاط مرکزی در مسکن سنتی دزفول با تکیه بر تحلیل سایه دریافتی سطوح مختلف حیاط»، *فصلنامه باغ نظر*، شماره ۲۷، سال ۱۰.
- جوزن، مهسا، (۱۳۹۴)، «بررسی تغییرات گونه‌های مسکن طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۰؛ مطالعه موردی: شهر تبریز»، *پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد با راهنمایی دکتر محمدرضا پورمحمدی*، دانشگاه تبریز.
- حیاتی، حامد؛ امین‌پور، احمد؛ مدنی، رامین و دلداده، محمدعلی، (۱۳۹۴)، «بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت براساس آموزه‌های اسلامی»، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۴۰، صفحات ۶۰-۴۷.
- دهداری، مصطفی، (۱۳۹۵)، «تحلیل فضایی گونه‌شناسی مسکن شهری؛ مطالعه موردی شهر گرگان»، *پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد با راهنمایی دکتر جعفر میرکتولی*، دانشگاه گلستان.
- رضایی مقدم، علی؛ آرزو، حسن؛ یوسف‌پور، وحید و عبادی، مسعود، (۱۳۹۱)، «بررسی جایگاه طراحی در ایجاد حس امنیت در مجتمع‌های مسکونی»، *چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*، مشهد، اردیبهشت.
- سادات، سیده اشرف و ضرغامی، اسماعیل، (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی- اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز»، *فصلنامه نقش جهان*، شماره ۲-۶.
- سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۹۴.
- سجادیان، مهیار و ملکی، سعید، (۱۳۹۵)، «تدقیقی بر ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه‌های اسلامی»، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، دوره ۸، شماره ۲۷.
- سرایی، محمدحسین، (۱۳۹۱)، «تطور سکونت شهری از مجموعه‌های فامیلی (محل‌های) تا بلوک‌های آپارتمانی (تفاوت‌های اساسی خانه و مسکن در شهر یزد)»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال ۳، شماره ۱۰.

- ۱- سیروسی، راضیه و الهی زاده، محمدحسن، (۱۳۹۳)، «الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی»، *فصلنامه سبک زندگی دینی*، سال ۱، شماره ۱، صفحات ۷۰-۳۵.
- ۲- شمس، مجید؛ صفاری راد، علی و قاسمی، احمد، (۱۳۹۴)، «تأثیرات جهانی شدن بر ساختار کالبدی شهرهای اسلامی؛ نمونه موردی: کلانشهر اصفهان»، *فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای*، سال ۵، شماره ۱۷، صفحات ۱۳۴-۱۱۹.
- ۳- شیخ اعظمی، علی و متولی، صدرالدین، (۱۳۹۲)، «سیر تحول فضاهای شهری سنتی در شهرهای ایرانی- اسلامی؛ قبل از مدرنیسم تا پست مدرن»، *فصلنامه شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۴.
- ۴- طباطبایی ملاذی، فاطمه و پورمند، حسنعلی، (۱۳۹۴)، «الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی- اسلامی؛ بررسی موردی: خانه رسولیان یزد»، *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، شماره ۹، سال ۳.
- ۵- عسگری رابری، ابصلت؛ عباس زاده، شهاب و آبرون، علی اصغر، (۱۳۹۴)، «بررسی عناصر فضایی- کالبدی تأثیرگذار بر مسکن روستایی؛ مطالعه موردی: روستاهای دیزباد بالا، فریزی و آیدلیک»، *مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی*، سال ۴، شماره ۴، صفحات ۱۹۳-۱۷۷.
- ۶- فلامکی، منصور و شصتی، شیما، (۱۳۹۳)، «رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی (با تکیه بر نظریه جامعه کوتاه مدت و نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران)»، *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۶، شماره ۳، صفحات ۱۳۷-۱۱۷.
- ۷- فیاض انوش، ابوالحسن و سنائی راد، عباسعلی، (۱۳۹۱)، «شاخص‌های کالبد و فرهنگ خانه در منابع اسلامی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی*.
- ۸- قائدرحمتی، صفر و جمشیدی، زهرا، (۱۳۹۴)، «ارزیابی مؤلفه‌های مسکن شهری برای برنامه ریزی پدافند غیرعامل؛ مطالعه موردی: شهر بوکان»، *فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا*، دوره ۱۹، شماره ۲.
- ۹- کرانی، نعیمه و علی الحسابی، مهران، (۱۳۹۲)، «عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده»، *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۴۱.
- ۱۰- کرمی، سروش؛ کرمی، ساناز؛ فخرایی، عباس و ذبیحی، حسین، (۱۳۹۳)، «بررسی میزان تأثیرپذیری کیفیت مسکن از فاکتورهای امنیت تصرف ادراکی؛ مطالعه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی شهر همدان»، *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، شماره ۱۲.
- ۱۱- محمدزاده، رحمت و جوانرودی، کاوان، (۱۳۹۵)، «بازطراحی فضاهای جمعی و خصوصی مسکن در ساختار شهر ایرانی- اسلامی مطالعه موردی: مجتمع بهارستان ۲ سندج»، *فصلنامه نقش جهان*، شماره ۲-۶.
- ۱۲- محمدیان مصمم، حسن؛ توکلی نیا، جمیله؛ ضرغامی، سعید و رستمی، قهرمان، (۱۳۹۵)، «تقابل شهر ایرانی- اسلامی با چالش‌های شهری هزاره سوم»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی*، سال ۷، شماره ۲۵.
- ۱۳- مشکینی، ابوالفضل و رضایی مقدم، علی، (۱۳۹۳)، «بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی- ایرانی»، *فصلنامه شهر پایدار*، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۶۸-۳۷.
- ۱۴- معاریان، غلامحسین، (۱۳۹۱)، «آشنایی با معماری مسکونی ایران: گونه‌شناسی برون‌گرا^۱ درون‌گرا»، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۵- مهوش، محمد و سعدوندی، مهدی، (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی شاخص‌سازی مفاهیم اسلامی در معماری اسلامی»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۲۱، صفحات ۵۶-۴۷.
- ۱۶- نصر، طاهره، (۱۳۹۴)، «جایگاه پارادایم «معماری مسکن» در سیمای امروز شهر ایرانی- اسلامی»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۲۲، صفحات ۷۸-۶۷.
- ۱۷- نقی زاده، محمد، (۱۳۹۲)، «تأملاتی در مبادی شهر اسلامی»، *فصلنامه کتاب ماه هنر*، سال ۴، شماره ۱۷۸، ص ۱۵-۴.
- ۱۸- نقی زاده، محمد؛ زارع، لیلا و حریری، شراره، (۱۳۹۱)، «رابطه طبیعت و حیات مرکزی (با نگاه به معماری مسکن ایرانی- کاشان)»، *فصلنامه هویت شهر*، شماره ۱۲، سال ۶، صفحات ۶۰-۴۹.
- ۱۹- نورتقانی، عبدالمجید؛ پوردیهیمی، شهرام و مشایخ فریدونی، سعید، (۱۳۹۲)، «هویت و مسکن؛ بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی»، *مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۴۱، صفحات ۱۸-۳.
- ۲۰- نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه دشتی، محمد، ناشر مشهور، قم.

- هاشمی، ملیحه و میرغلامی، مرتضی، (۱۳۹۰)، «بازتاب جنسیت در فضاهاى شهری سنتی ایران در دوره صفویه»، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی